

ماهیت و ویژگی‌های جن و انس در قرآن و روایات و جایگاه آنان در نظام آفرینش

اسماعیل اسلامی^۱

^۱ دکترای تخصصی مطالعات تطبیقی مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب قم، مدیر هسته گزینش کارکنان دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

چکیده

در عالم آفرینش جدا از موجودات محسوس، موجودات نامحسوسی هم هستند که در شرایط عادی، برای ما قابل درک حسی و دیدن نیستند. یکی از آن موجودات نامحسوس جن است. اعتقاد به وجود جن مختص اسلام نیست و در دیگر ادیان ابراهیمی نیز پذیرفته شده است. هدف از این پژوهش بررسی ماهیت و ویژگی‌های جن و انس در قرآن و روایات و جایگاه آنان در نظام آفرینش می‌باشد. روش انجام پژوهش حاضر از نوع کتابخانه‌ای و مروری می‌باشد. آیات و روایات دلالت بر این دارند که جنیان هم مانند انسان‌ها، مختار هستند و هدف از آفرینش آن‌ها بندگی خداوند است و در قرآن بارها به تصریح بیان شده است. پس جن‌ها موجوداتی انتخاب‌گر هستند و بر سر دو راهی قرار می‌گیرند. می‌توان نتیجه گرفت که از نظر قرآن کریم، انسان‌ها در جهان دارای موقعیتی منحصر به فرد هستند که او را نسبت به موجودات دیگر برتر کرده است. اما باید توجه داشت که این امتیاز و برتری بر سایر موجودات از نوع استعداد و قابلیت‌های وجودی بالقوه بوده و تا زمانیکه از آن استفاده نکنند، برتری نخواهند داشت. پس فقط با تکیه زدن بر این کرامت ذاتی نمی‌توان دم از برتری همه‌ی انسان‌ها بر موجودات دیگر زد. کرامت حقیقی انسان که وجه تمایز انسان از موجودات دیگر را تشکیل می‌دهد، کرامتی اکتسابی است و انسان تنها از طریق ایمان، عمل صالح، تقوای الهی و به فعلیت رساندن توانایی‌های خود، می‌تواند به موجودی برتر تبدیل شود و به مقام و جایگاه خلیفه‌اللهی نائل گردد.

واژه‌های کلیدی: جن، انس در قرآن، روایات، نظام آفرینش

مقدمه

انسان در بین مخلوقات الهی دارای ویژگی‌های بسیار ممتازی است و بر همه‌ی موجودات برتری دارد [۱]. شناختن جایگاه انسان در هستی، رهنمونی بسیار شایسته برای شناخت معنا و مفهوم زندگی است. معنای زندگی انسان، تنها در پرتو درک گستره وجودی و هدف از آفرینش او ممکن است و بدون شناخت وجود انسان و بررسی تفاوت و تمایز او با سایر موجودات، هرگز نمی‌توان معنایی را برای زندگی او مطرح کرد، همان‌طور که زندگی بدون داشتن این بینش، بی‌معنا و بی‌هدف خواهد بود. از نظر قرآن، حضور انسان در جهان جهت امتحان و آزمایش الهی است که این امتحان زمینه ساز رسیدن او به سعادت حقیقی است. او می‌تواند با حسن اختیار خود، راه عبودیت و بندگی خداوند را انتخاب نماید و طی کند و از این راه به قرب الهی و جایگاه خلیفه‌اللهی برسد. از آنجایی که جهان مادی و مخلوقات دیگر، تأمین‌کننده‌ی محیطی مناسب برای این امتحان الهی هستند، به همین دلیل انسان خلق شده و جامعه‌ی وجود بر تن کرده است. خداوند در قرآن انسان را به واسطه‌ی نیروی عقل و اندیشه بر مخلوقات دیگر برتری و ارزش داده و به انسان کرامت ذاتی عطا فرموده است. با رجوع به تمامی آیات قرآن در زمینه آفرینش انسان مشخص می‌گردد که کرامت حقیقی انسان، اکتسابی است و در سایه‌ی ایمان و عمل صالح و تقوای الهی حاصل می‌شود و همین نوع کرامت است که ملاک اصلی برتری انسان‌ها بر سایر موجودات است و او را به جایگاه خلیفه‌اللهی می‌رساند.

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل، ۹۷): هر کس از مرد و زن کار نیکی به شرط ایمان به خدا به جای آرد ما او را به زندگانی خوش و با سعادت زنده ابد می‌گردانیم و اجری بسیار بهتر از عمل نیکی که می‌کردند به آنان عطا می‌کنیم.

این آیه، اشاره به حیات طیبه (زندگی پاک) دارد که هدف نهایی زندگی یک انسان مؤمن و پرهیزکار است و از نظر مسلمانان، انسان با اینکه ویژگی‌های ممتازی نسبت به سایر مخلوقات و جایگاه رفیعی در نظام آفرینش دارد، تنها زمانی به معنا و هدف زندگی می‌رسد که به این نوع زندگی (حیات طیبه) دست یابد. نتیجه طبیعی چنین زندگی‌ای، بهشت و رضایت خداوند متعال در آخرت است که خود، هدفی والاتر از حیات طیبه برای انسان‌ها به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، تضمین‌کننده سعادت دنیا و آخرت هر انسانی، دستیابی او به حیات طیبه است. حیات طیبه، به معنی زندگی پاک است و این پاکی، باید تمامی زوایای شخصیت، زندگی، جسم و جان انسان‌ها را در برگیرد، و باعث پاکی و طهارت جسمی، فکری، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی انسان شود. در مورد مقام خلیفه‌اللهی باید گفت که مقامی تکوینی است و به شاخصه‌های وجودی و کمالات هر شخص وابسته است. لازم به ذکر است که توانایی رسیدن به این جایگاه در همه‌ی انسان‌ها قرار داده شده است ولی تنها کسانی می‌توانند به این جایگاه برسند که با عبادت و بندگی خداوند متعال، مظهر اسماء ذات پاک الهی شوند و به بالاترین درجات قرب الهی، برسند. در قرآن، انسان در اوج عزت معرفی گردیده است و از جانب خداوند سخن از تکریم و جایگاه انسان و به دنبال آن، برتری او بر بسیاری از آفریدگان است. این که تکریم انسان چه معنایی دارد و انسان از چه موجوداتی برتر می‌باشد، همواره مورد توجه دانشمندان مسلمان و علوم اسلامی بوده و اثرات تربیتی گوناگونی بر مکتب تربیتی اسلام داشته است. انسان با شناختن جایگاه ویژه و خاص خود در نظام آفرینش که دومین مقام پس از آفریدگار عالم است (خلیفه‌الله) است در جهت تحقق این مقام و رسیدن به این جایگاه می‌کوشد و خود را از پستی‌ها و زشتی‌ها می‌رهاند. با توجه به اینکه خداوند موجودات فراوانی خلق کرده است که مهمترین آن‌ها انسان، جن و فرشتگان هستند در پژوهش حاضر به بررسی و معرفی ماهیت و ویژگی‌های جن و انس در قرآن و روایات و جایگاه آنان در نظام آفرینش می‌پردازیم.

مواد و روش

روش انجام پژوهش حاضر از نوع کتابخانه‌ای و مروری می‌باشد و در تدوین و نگارش آن از مقالات، کتب معتبر دینی و سایت‌های معتبر اینترنتی و... استفاده شده است.

واژه جن و ویژگی‌های آن

جن اسمی عربی است. در فرهنگ‌های لغت موجودی نامرئی‌ست که از چشم مردم پوشیده است. جمع این کلمه جان و اجانین می‌باشد [۲]. مردم برای جمع بستن واژه (جن) از واژه (اجنه) استفاده می‌کنند [۳]. «جن» در اصل به معنای چیزی است که انسان نمی‌تواند حس کند [۴]. مثلاً می‌گوییم «جنه اللیل» یا «فلما جن علیه اللیل» یعنی زمانی که سیاهی شب او را پنهان کرده، و به همین علت به کسی «مجنون» می‌گویند که عقلش پنهان یا مخفی است. «جنین» به طفلی می‌گویند که در رحم مادر مستور و پنهان است و «جنت» باغی است که زمینش از درختان پوشیده شده، و «جنان» به قلب که در درون سینه مخفی است و «جنه» یعنی سپر که انسان را از ضربات دشمن می‌پوشاند [۵]. آفرینش جن در اصل از آتش یا شعله‌های صاف آتش می‌باشد، و ابلیس هم از همین گروه است. طبق احادیث خداوند موجودات هوشمند را در سه دسته مختلف آفرید: فرشته از نور، جن از آتش و انسان از خاک خلق شده است. جنیان در آسمان‌ها بودند اما به دلیل خبرگیری و استراق سمعی داشتند ورود آن‌ها بعداً ممنوع شد. در میان اجنیان کسانی هستند که از قدرت بسیار بالایی برخوردار هستند، همان‌گونه که در میان انسان‌ها هم چنین افرادی دیده می‌شوند: مثلاً یکی از جنیان به حضرت سلیمان (ع) گفت: «من تخت ملکه سبا را پیش از آن که از جای برخیزی از سرزمین او به این جا می‌آورم!». آن‌ها قدرت انجام بعضی از کارهای مورد نیاز انسان‌ها را دارند: «گروهی از جن پیش روی سلیمان به اذن پروردگار کار می‌کردند، و برای او معبد، تمثال‌ها و ظروف بزرگ غذا تهیه می‌کردند». جن هزاران سال قبل از آفرینش انسان از آتشی سیاه و بوی دود خلق شد [۶]. در آیات ۲۶ و ۲۷ سوره حجر به توضیح آفرینش جن به عنوان موجودی واقعی قبل از آفرینش انسان اشاره می‌شود. وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ (حجر، ۲۶): و همانا ما انسان را از گل و لای کهنه متغیر بیافریدیم. وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ (حجر، ۲۷): و طایفه دیوان را پیشتر از آتش گدازنده، خلق کردیم.

مترشعه جن را موجودی غیرآدمی می‌دانند و معتقد هستند جن از مارج و مارج به وجود آمده است [۷]. مارج یعنی زبانه آتش و مختلط آتش و هوا است که در بعضی از روایات پدر جن معرفی شده است. مارج به معنای اختلاط و آمیزش است و منظور از آن ترکیب شعله‌های مختلف آتش و هوا است که ترکیب آن رنگ‌های مختلفی را پدید می‌آورد پس جن از ترکیب آتش و هوا خلق شده و آدم از ترکیب آب و خاک است. ترکیب دو عنصر آتش و هوا، مارج را پدید می‌آورد و با ترکیب آب و خاک، طین بوجود می‌آید. وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ (با توجه به آیه ۱۵ الرحمان): و جنیان را از رخشنده شعله آتش خلق کرد.

امام علی (ع) اسم پدر جن را شومان بیان کرده‌اند و فرموده‌اند: او کسی است که از (مارج من نار) خلق شده است [۷]. جن‌ها به دلیل طبیعت شعله‌وش خود از دید آدمیان پنهان هستند اما می‌توانند با غلظت دادن به وجود خود به هر صورتی که بخواهند رویت شوند [۷]. مثلاً به صورت انسان، شغال، گرگ، شیر، عقرب یا مار دیده می‌شوند. بعضی از جن‌ها مومن و برخی دیگر کافر و زیانکار هستند (که به مادرین معروف هستند).

ادوارد ویلیام لین انگلیسی می‌گوید که اگر جن‌ها به صورت انسان ظاهر شوند معمولاً دارای جثه‌ای بسیار طویل و عظیم هستند. اگر مومن باشند معمولاً بسیار زیبا هستند و اگر از زیانکاران باشند، بسیار زشت دیده می‌شوند [۶]. سراسر دنیا و مسلمانان به وجود جن اعتقاد دارند. مسلمانان معتقد هستند که جن هم مانند انسان روز قیامت در بارگاه الهی قضاوت می‌شود [۸].

انواع جن

پیامبر اسلام (ص) فرموده‌اند: «خداوند جن را پنج صنف آفریده است: صنفی مانند باد در هوا (ناپیدا هستند) و صنفی به صورت مارها، و صنفی به صورت عقرب‌ها، و صنفی حشرات زمینند و صنفی از آن‌ها مانند انسانند که بر آن‌ها حساب و عقاب است.» جنیان هم مانند انسان‌ها موجوداتی مادی و دارای روح هستند پس به طور کلی اجنیان زندگی هدف‌دار و معناداری دارند و مانند انسان ویژگی‌هایی دارند که حساب و کتاب (معاد) را برای آن‌ها واجب می‌نماید. اجنیان هم مثل انسان‌ها مسلمان، کافر، شیعه و غیرشیعه دارند. در سوره احقاف درباره ایمان آوردن گروهی از جنیان به پیامبر اسلام (ص) و قرآن آمده است. بنابراین اجنیان هم مانند آدمیان عقاید و اعتقادات مختلفی دارند، عده‌ای از آن‌ها ظالم، ستمگر و کافر هستند و عده‌ای صالح و مسلمان هستند و در مورد شیعه بودن بعضی از اجنیان هم شواهد و روایاتی وجود دارد در روایات مختلفی اهل بیت (ع) عده‌ای از جنیان را به عنوان شیعه معرفی کرده‌اند. به نقل از ابو حمزه ثمالی عده‌ای از اجنیان به حضور حضرت امام باقر (ع) رسیدند. همچنین در روایاتی بیان شده است که گروهی از اجنیان به پیامبر اسلام (ص) ایمان آورده‌اند.

علت خلقت جن

فلسفه و آفرینش جنیان، هم مانند انسان‌ها عبودیت، بندگی و پرستش خداوند متعال می‌باشد [۹]. «وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون» جن و انسان را نیافریدم مگر برای عبادت و پرستش (ذاریات، ۵۶). به عبارتی چون هدف از خلقت انسان و جن عبادت الهی و بندگی خدا است پس هر کدام در برابر خداوند دارای تکلیف و وظایفی هستند. پس اجنیان هم دارای حساب و کتاب و روز معاد هستند. در آیه ۱۳۰ سوره انعام آمده است:

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّبْنَاهُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ (آن‌گاه خدا گوید) ای گروه جن و انس، مگر برای هدایت شما از جنس خود شما رسولانی نیامدند که آیات مرا برای شما می‌خواندند و شما را از مواجه شدن با این روز سخت می‌ترساندند؟ آن‌ها (با نهایت پشیمانی) جواب دهند که ما (به جهالت و بدی) بر خود گواهی می‌دهیم. و زندگانی دنیا آن‌ها را مغرور ساخت و در آن حال (می‌فهمند و) بر خود گواهی می‌دهند که به راه کفر می‌رفتند.

اشارات قرآن کریم بر اجانین و خصوصیات آن‌ها

جنیان بر اساس آیه ۲۵ سوره فصلت زندگی دسته‌جمعی و طایفه‌ای دارند. وَفِيضْنَا لَهُمْ قُرْآنًا فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ (فصلت، ۲۵).

و ما رفیقان و یارانی (از شیاطین) بر آن‌ها گماشتیم تا آنچه پیش روی آن‌هاست (از نعمت و لذت‌های فانی دنیا) در نظرشان جلوه دادند و آنچه از عقب دارند (از نعمت و لذات ابدی آخرت فراموش کردند) و وعده عذاب الهی بر آن‌ها حتم و لازم گردید و چون امتانی از جن و انس که پیش از آن‌ها (غرق دنیا بودند و با کفر و عصیان) درگذشتند، سخت زبون و زیانکار شدند.

در قرآن کریم علاوه بر اینکه سوره‌ای به نام جن وجود دارد، ۷ مرتبه واژه جان و ۲۲ مرتبه واژه جن و ۵ مرتبه واژه «الجِنَّه» که جمع جن است اشاره شده است. وجود جن از اصول مسلم قرآنی است. قرآن کریم به بعضی از ویژگی‌های جن اشاره می‌کند:

ماده خلقت: در آیات قرآن به آتش که ماده اولیه جن است اشاره می‌شود: «وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ» (حجر، ۲۷). «وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ» (الرحمن، ۱۵).

جنسیت: از آیه ۶ سوره جن: «رَجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ» می توان استنباط کرد که اگر اجانین مرد هستند، پس در بین آن ها اجانین زن نیز وجود دارد، زیرا رجال در برابر اناث است.

تولیدمثل: آیه ۵۶ سوره الرحمن «لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ» دلالت بر آمیزش جنسی جنیان دارد. در میان جنیان هم مانند انسان ها تولیدمثل وجود دارد، در انسان ها تولیدمثل با القای نطفه در رحم و در جنیان با القای هوا در رحم است.

زمان آفرینش: آفرینش جن قبل از آفرینش انسان ها و پس از آفرینش فرشتگان بوده است. «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ» (بقره، ۳۰)

و آن گاه بر آدمیان نعمت ارزانی شد که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی قرار خواهم داد. فرشتگان چون می دانستند که موجودی که در زمین زندگی می کند روی به تبهکاری می آورد، گفتند: آیا در زمین کسانی را می گماری که در آن فساد می کنند و خون ها می ریزند، در حالی که ما همراه با ستایش تو، تو را تسبیح می گوئیم و تقدیس می کنیم؟ گفت: من چیزهایی می دانم که شما نمی دانید.

داشتن فهم و درک: جنیان هم مثل انسان ها فهم و درک دارند و دارای قلب، گوش و چشم هستند: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (اعراف، ۱۷۹).

و مسلماً بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم [زیرا] آنان را دل هایی است که به وسیله آن [معارف الهی را] در نمی یابند، و چشمانی است که توسط آن [حقایق و نشانه های حق را] نمی بینند، و گوش هایی است که به وسیله آن [سخن خدا و پیامبران را] نمی شنوند، آنان مانند چهارپایانند بلکه گمراه ترند (اعراف، ۱۷۹). بنابراین آنان نیز همانند انسان وقتی از قلب و چشم و گوش خود برای درک حقیقت استفاده نکنند، از حیوان پست تر می شوند. همچنین آن ها قدرت فهم کلام بشر را دارند. چنانچه از آیه اول سوره جن «إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا» (جن، ۱) بر می آید که جن قدرت فهم قرآن و تشخیص کلام خارق العاده از کلام عادی را دارد. از اینرو وقتی قرآن تحدی می کند گروه جنیان را نیز مانند انسان ها به مبارزه می طلبد. البته میان جنیان افراد سفيه و کم خرد نیز وجود دارد: «وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا» (جن، ۴).

حرکت: جن ها دارای سرعت فوق العاده ای هستند و در زمان بسیار کوتاهی می توانند طول و عرض زمین را بپیمایند، همانطور که عفريت جنى برابر درخواست احضار تخت بلقيس توسط حضرت سليمان (ع) گفت: من برآوردن تخت بلقيس پيش از آنكه از جایگاه خود برخیزی قادرم: «قَالَ عِفْرِيتٌ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ» (نمل، ۳۹) در حالیکه فاصله میان سبا و شام بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر بود.

تغذیه: جن ها مثل انسان ها رشد و تولیدمثل دارند بنابراین نیاز است که تغذیه داشته باشند بنابراین می خورند و می آشامند. اما در اینکه از چه چیزهایی تغذیه می کنند اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد، در روایات مختلف بیان شده است که آن ها از باقی مانده غذای انسان ها و مغز استخوان ها تغذیه می کنند. «ابن بابویه» نقل کرده است: «گروهی از طایفه جن خدمت پیامبر اکرم (ص) شرفیاب شدند و عرض کردند ای رسول خدا چیزی برای خوردن به ما عطا فرما، حضرت هم استخوان و بازمانده غذا به آن ها عطا کرد [۱۰]. و نیز امام صادق (ع) می فرماید: «استخوان و ضایعات غذای جنیان است» [۱۰].

خواب: اجنیان هم مانند انسان ها می خوابند. از سوره بقره آیه ۲۵۵ چنین می توان نتیجه گرفت که تنها ذات احدیت، خداوند رحمان است که نمی خوابد و همه مخلوقات ناگزیرند که بخوابند. چنانکه در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «به غیر از خداوند متعال، همه خواب دارند حتی فرشتگان» [۱۰].

جنیان هم به محضر ائمه (ع) می‌آیند مسائل دینی خود را می‌پرسند و می‌توانند کارهایی را برای ائمه معصوم (ع) انجام دهند. در اصول کافی ج ۱ صفحه ۳۹۴ بابی تحت عنوان (جن در محضر ائمه معصوم علیه السلام) وجود دارد و در مورد هفت حدیث مختلف نقل شده است. «سید صیرفی» بیان می‌کند که امام باقر (ع) در مدینه به من سفارش‌هایی فرمودند. از مدینه بیرون رفتم در میانه‌ی راه «روحا» بودم که مردی به من اشاره کرد. به سوی او رفتم و تصور کردم که تشنه است. ظرف آب را به او دادم گفتم: به آب نیاز ندارم، نامه‌ای به من داد که مرکب آن هنوز خشک نشده بود، دیدم مهر امام باقر (ع) است، گفتم: این نامه را کی به تو داده‌اند؟ گفت: الآن. در نامه دستورهایی نوشته شده بود. چون متوجه آن مرد شدم، دیدم کسی نیست، بعد از آن ابوجعفر (ع) به مکه آمدند، به ایشان عرض کردم: فدایت شوم، مردی نامه شما را آورد که مهرش هنوز خشک نشده بود، فرمود: ای «سید» ما خدمتکارانی از جن داریم، چون خواهیم کاری به فوریت بسیار انجام پذیرد، آن‌ها را می‌فرستیم [۱۱].

درباره طول عمر اجنیان اطلاعاتی در دست نیست، البته ابلیس طبق آیه ۱۴ و ۱۵ سوره اعراف تا زمان معینی زنده است (اعراف، ۱۴-۱۵): قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ (۱۴) قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ (۱۵): (ابلیس، به جای توبه و عذرخواهی) گفت: تا روزی که مردم برانگیخته می‌شوند، مرا مهلت بده (۱۴) (خداوند) فرمود: همانا تو از مهلت یافتگانی (۱۵).

و به حکم آیه ۱۸۵ سوره آل عمران قانون مرگ شامل همه موجودات می‌شود و بنابراین جنیان هم می‌میرند: كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ

هر نفسی شربت مرگ را خواهد چشید و محققاً روز قیامت همه شما به مزد اعمال خود کاملاً خواهید رسید، پس هر کس را از آتش جهنم دور دارند و به بهشت ابدی درآرند چنین کس سعادت ابد یافت، که زندگی دنیا جز متاعی فریبنده نیست.

بیانگر آن است که امت‌هایی از جنیان مانند گروه‌های آدمی از بین رفته‌اند، در نتیجه در بین جنیان نیز مرگ و میر وجود دارد. در برخی روایات نیز به مسأله مرگ جنیان اشاره شده است [۱۲].

واژه انس

واژه‌ی انسان در اصل «انس» بوده است و آنگاه الف و نون به آن افزوده شده است و در لغت به معنای انس گرفتن و ظاهر شدن می‌باشد هر چند بعضی نیز معتقد هستند که از واژه‌ی نسیان اتخاذ شده است [۱۳]. منطق دانان انسان را «حیوان ناطق» و یا «حیوان متفکر» معرفی می‌کنند. براساس تعریف منطق دانان: انسان حیوانی است با یک ویژگی و فصل مقوم خاص که همان تفکر و قدرت اندیشه است. اشتراک جنسی انسان و دیگر حیوانات امری است که هم در منطق قدیم و هم در شاخه‌های مختلف علوم انسانی مورد تأکید قرار گرفته است. در علوم اجتماعی انسان را اینگونه تعریف می‌کنند: «انسان (ژحزش‌ذ) موجودی است با ارگانیسم بدنی جاندار و در محیطی مرکب از چیزهای گوناگون که به صورت اجتماعی زندگی می‌کند» [۱۴]. در تعریف دیگری آمده است که: «انسان تنها حیوانی است که قادر است راه خود را به بیرون از وضعیتی که است، متناسب با آگاهی خود تغییر بدهد، وضعیتی که خود باید آنرا بیافریند.» [۱۵].

آفرینش و جایگاه انسان در جهان هستی

انسان موجودی دو بعدی (مادی و غیرمادی) است. انسان‌ها با توجه به خصوصیات جسمی و روحی خود، خصوصیات والایی دارند که به آن‌ها ارزش و جایگاه خاصی می‌دهد. یکی از این ویژگی‌ها این است که خداوند متعال در قرآن خلقت انسان را به خود اختصاص می‌دهد. در آیه ۷۱ سوره ص می‌فرماید: إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ * فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ؛ و هنگامی که خداوند به فرشتگان گفت که من بشر را از گل می‌آفرینم، پس آن‌گاه او را به خلقت کامل بیاراستم و از روح خود در او دمیدم، به او سجده کنید.

خداوند متعال روح انسان را به خود نسبت می‌دهد و همین بُعد انسان است که به او جایگاهی می‌دهد که ملائکه بر او سجده می‌کنند تنها ابلیس که از جَنّیان و در میان ملائکه بود، از سجده سرباز زد. خداوند متعال از ابلیس درباره علت سجده نکردنش پرسید: قَالَ يَا اِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ اَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيدِي؛ (سوره ص، ۷۵) ای ابلیس چه چیز تو را منع کرد، از این که به چیزی که با دست‌های خودم آن را آفریدم، سجده کنی.

مرحوم علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: این که در آیه (سوره ص، ۷۵)، خلقت بشر را به دست خود نسبت داده و فرمود: «چه مانعت شد از این که بر چیزی سجده نکنی که من آن را با دست‌های خود آفریدم»، به این منظور بود که بر آن شرافتی اثبات نموده، بفرماید، هر چیز را به خاطر چیز دیگر آفریدم، ولی آدم را به خاطر خودم. هم‌چنان که جمله وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوْحِي نیز این اختصاص را می‌رساند. اگر کلمه «ید» را تثنیه آورد و فرمود: یدی با این که می‌توانست مفرد بیاورد، برای این است که به کنایه بفهماند، در خلقت او اهتمام تام داشتیم، چون ما انسان‌ها هم در عملی هر دو دست خود را به کار می‌بندیم که نسبت به آن اهتمام بیش‌تری داشته باشیم.

انسان‌ها جزئی از هستی و شگفتی‌های جهان هستی به شمار می‌روند. همان‌طور که جهان دارای هدف و غایت است، انسان هم در سیر حرکت خود به سوی هدف معین در حال حرکت است. پاسخی که از تعالیم اسلامی درباره‌ی راز آفرینش انسان می‌توان دریافت، روشن است. انسان خلق شده است تا نماینده و جانشین خداوند بر روی زمین باشد، پس چون خداوند، آدمی را به عنوان خلیفه خود بر روی زمین قرار داده است، بنابراین باید نشان‌دهنده بخشی از صفات الهی باشد و این برترین جایگاهی است که خداوند برای مخلوقی از مخلوقاتش در نظر گرفته است. به طور کلی اگر برای هر پدیده یا مخلوقی، بتوان مرتبه اعلی و جایگاه بالایی را در نظر گرفت، مرتبه اعلای آفرینش یا راز آفرینش مربوط به داستان خلقت انسان‌ها است. تنها موجودی که ملائک به امر الهی بر او سجده کردند و نیز تنها مخلوقی که خداوند بعد از آفرینش او به خود تبریک گفت، انسان بوده است. وجود رمز و راز در آفرینش انسان‌ها، نشان‌دهنده حقایقی است، که از مهم‌ترین آن‌ها، می‌توان به هدفمندی چنین آفرینشی اشاره کرد. زیرا مخلوقی که ملائکه بر او سجده کردند و خداوند بعد از آفرینش او به خود تبریک گفت، از جایگاه بالاتری نسبت به سایر مخلوقات برخوردار است، بنابراین نمی‌تواند بی‌هدف و بی‌هوده خلق شده باشد و همچنین چگونگی و کمال جهان، دارای هدف و غایت مشخصی است، آفرینش انسان هم به عنوان زیرمجموعه و یکی از اجزای این جهان، نیز دارای هدف و مقصود معینی است.

این نکته را هم باید در نظر گرفت که انسان همه کمالات را به صورت بالقوه دارد و فقط باید آن‌ها را بالفعل نماید. انسان باید سازنده و معمار خود باشد. پس انسانی که خلیفه‌الله و مسجود ملائکه است، همه چیز برای او است و باید دارای همه کمالات انسانی باشد، انسان به علاوه ایمان است، نه انسان منهای ایمان. انسان بدون ایمان ناقص است. این چنین انسانی خونریز، حریص، از حیوان پست‌تر و بخیل است [۱۶].

در مورد جایگاه مؤمن، هر چند روایات زیادی نقل شده است. اما معتبرترین آن که توسط شیعه وسنی بیان شده است این است که امام باقر(ع) می‌فرماید: «رسول خدا (ص) در شب معراج به خداوند عرض کرد: حال مؤمن نزد تو چگونه است؟ فرمود: ای محمد! کسی که به دوستدارم اهانت کند، به جنگ‌جویی با من برخاسته و من از هر چیز زودتر یاری دوستان خود کنم. هیچ بنده‌ای از بندگان به چیزی محبوب‌تر از واجبات به من نزدیک نمی‌شود. همانا بنده به وسیله نافله به من نزدیک می‌شود تا آن که او را دوست دارم. وقتی او را دوست داشتم، گوش او می‌باشم که با آن می‌شنود؛ چشمش که به آن می‌بیند، زبانش که به آن سخن می‌گوید و دستش که با آن اخذ می‌کند. اگر مرا بخواند، او را پاسخ دهم و اگر از من چیزی بخواهد، او را عطا می‌کنم» [۱۰].

در آیات قرآن به این امر اشاره شده که نظام هستی برای انسان آفریده شده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً» (بقره، ۲۹): او کسی است که آنچه در زمین است، برای شما آفرید. «الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشاً وَالسَّمَاءَ بِنَاءً» (بقره، ۲۲): کسی که زمین را برای شما گستراند و آسمان را برافراشت.

از نگاه قرآن، انسان چنان ارزشی دارد که حیات و مرگ او، برابر با حیات و مرگ همه انسان‌ها است؛ وقتی شخصی کشته می‌شود، مثل آن است که همه انسان‌ها کشته شده‌اند و اگر فردی از مرگ نجات داده یابد، مانند آن است که تمام انسان‌ها از مرگ نجات یافته باشند. این بدان معنا است که انسانیت وجه مشترکی در همه انسان‌ها است وجود دارد و اگر انسانی بی‌علت کشته شود، آن وجه مشترک از بین رفته و شخصی که انسانی را بی‌دلیل بکشد، می‌تواند با همان انگیزه، انسان‌های دیگر را نیز بکشد همچنین نجات‌دهنده می‌تواند، با همان انگیزه، به تمام انسان‌ها کمک و یاری برساند. قرآن، به حیات انسان ارزش بسیار داده و جایگاه ویژه‌ای بر او عطا فرموده است و در مورد هیچ موجود دیگری، این چنین بیان نشده است، چنان‌که در مورد انسان می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعاً» (مائده، ۳۲): هرکس فردی را بی‌آن که کسی را کشته باشد یا فساد در روی زمین کرده باشد، بکشد چنان است که تمام انسان‌ها را کشته است و هر کس فردی را زنده بدارد، چنان است که همه انسان‌ها را زنده کرده است. این آیه نشان‌دهنده ارزش و جایگاه انسان در نظام هستی است. مرحوم علامه جعفری (ره) کشتن انسان بی‌گناه را اهانت به مقام پروردگار دانسته و می‌نویسد: «در حقیقت کشتن انسان بی‌گناه اهانت بر کل است که انسان، با عظمت‌ترین و باارزش‌ترین اجزای آن است، پس قتل یک انسان با ملاکی که بیان شد، مانند قتل همه انسان‌هاست و احیای یک انسان و زنده نگه داشتن آن مانند احیای همه انسان‌هاست».

کرامت انسان بر موجودات دیگر

کرامت به معنای عزّت و بزرگواری در ذات و وجود چیزی است و برتری نسبت به اشیا دیگر در آن لحاظ نشده است [۱۷]. کرامت، ضد دنائت و پستی می‌باشد [۱۸]. مفاهیم سخا، جود، اعطا، بزرگی، گذشت، موردپسند بودن، منزّه بودن، ستوده بودن، نیکو بودن و لثیم نبودن از آثار و لوازم کرامت است. کرم اگر در توصیف خداوند متعال واقع شود، هدف از آن احسان و نعمت آشکار خدا می‌باشد و اگر برای توصیف انسان‌ها به کار رود، نشان‌دهنده اخلاق و افعال پسندیده‌ی اوست. به کسی کریم می‌گویند که اخلاق و افعال پسندیده در او دیده شود. هر چیزی که در نوع خود شریف و پاک است با کرم توصیف می‌شود.

کرامت انسانی به طور مشخص و مؤکد، در آیه‌ی ۷۰ سوره‌ی اسراء بیان شده است: وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً (اسراء، ۷۰): و محققاً ما فرزندان آدم را بسیار گرمی داشتیم و آن‌ها را (بر مرکب) در برّ و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آن‌ها را روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم. در این آیه، از تکریم انسان سخن گفته می‌شود که خداوند تعالی انجام آن را به خود منسوب داشته است. تکریم به معنای سخاوتمندانه و عمومی و بسیار عطا کردن می‌باشد.

برتری انسان بر همه موجودات جهان

چون انسان دارای قدرت اراده و اختیار است و در اطاعت خداوند متعال مختار است، بر ملائکه نیز برتری دارد؛ زیرا ملائکه مختار نیستند و به اطاعت از خداوند مجبور هستند و به وضوح مشخص است که ارزش اطاعت اختیاری از اطاعت اجباری بسیار بیش‌تر است. اما این نظریه مورد قبول قرآن نیست، چون ملائکه، مقرب درگاه الهی و حامل عرش هستند و اطاعت آن‌ها ارزش بسیاری دارد. به این مفاهیم در قرآن اشاره شده است: وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَاقِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ؛ (زمر، ۷۵) ملائکه را می‌بینی که از اطراف عرش می‌گذرند و پروردگارشان را با جهد تسبیح می‌کنند.

وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ. (انبیاء، ۲۸): و آن‌ها همواره از خشیت خدا هراسان هستند.

لَنْ يَسْتَنْكَفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ (نساء، ۱۷۲): نه مسیح و نه ملائکه مقرب از این‌که بنده خدا باشند، سرباز نمی‌زنند.

این آیات نشان‌دهنده این است که فضل و برتری در ذات فرشتگان قرار دارد و نیروی اختیار به تنهایی نمی‌تواند ملاک ارزش‌گذاری و فضیلت باشد، بلکه ملاک‌های آن ارزش، خلوص، عبادت و بندگی است و فرشتگان ذاتا دارای شرافت می‌باشند، در عبادتشان خلوص دارند و هرگز دچار شرک نمی‌شوند. بنابراین، از نظر ذاتی، ملائکه از انسان برتر هستند. به نقل از مرحوم علامه طباطبایی (ره): «حق این است که صرف امکان فعل و ترک آن و این‌که انسان به‌طور مساوی به آن دو قدرت دارد، به خودی خود ملاک فضیلت و برتری طاعت نیست، بلکه برتری طاعت بیش‌تر به این است که از صفای درون و حسن سریره او حکایت کند، و دلیل این مطلب نیز این است که طاعت فردی که می‌دانیم از زشتی باطن و پلیدی درون برخوردار است، ارزشی ندارد؛ هر چند چنین فردی در تصفیه عمل، منتها درجه کوشش را کرده باشد؛ مانند اطاعت منافق و آن‌ها که به بیماری قلب گرفتارند. عمل این افراد در نزد خدا حبط است و خداوند حسانتشان را نیز از کارنامه اعمالشان محو می‌کند، پس ملاک ارزش و فضیلت و طاعت، صفای نفس فرد مطیع است که مشتاق جمال ذات الهی بوده و در عبودیت دارای خلوص است، و همین خلوص در عبادت است که او را از معصیت به سوی طاعت می‌کشاند، و وادارش می‌سازد تا در راه اطاعت از خدا و ترک معصیت او، مشقت‌ها را تحمل کند، در نتیجه عمل و اطاعتش ارزش پیدا می‌کند».

با توجه به اینکه ذات ملائکه که از نظر قوام وجودی بر طهارت و کرامت نهادینه شده است بنابراین در اعمالشان هم جز ذات عبودیت، بندگی، پاکی و خلوص نیت چیزی وجود ندارد، و از جنس ذات انسان که با هوا و هوس و شهوت آمیخته شده است، برتر و شریف‌تر است. بنابراین انسان از لحاظ ذاتی بر فرشتگان برتر نیست؛ اما اگر اراده کند و توانایی‌های بالقوه که به او داده شده را به بالفعل تبدیل نماید، با عبودیت و بندگی خداوند، از فرشتگان برتر می‌شود و این همان برتری اکتسابی است که انسان می‌تواند به آن برسد. همان‌طور که اگر انسان از نفس اماره پیروی کند با وجود اینکه بر حیوان برتری دارد با تبعیت از حیوان هم پست‌تر می‌شود. برای رسیدن به برتری اکتسابی انسان، باید از کمالات وجودی خود استفاده کند، تا جایی که از فرشتگان هم برتری یابد و مسجود آن‌ها قرار گیرد [۱۹].

سجده فرشتگان بر حضرت آدم (ع) و امامان معصوم (ع) به‌عنوان انسان کامل، دلیلی بر برتر بودن انسان بر ملائکه است. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) به این مطلب اشاره شده است: «... ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ آدَمَ فَأَوْدَعْنَا صُلْبَهُ وَأَمَرَ الْمَلَائِكَةَ بِالسُّجُودِ لَهُ تَعْظِيماً لَنَا وَإِكْرَاماً وَكَانَ سُجُودُهُمْ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ عِبُودِيَّةً وَلِآدَمَ إِكْرَاماً وَطَاعَةً لَكُونْنَا فِي صُلْبِهِ، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ أَفْضَلُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ قَدْ سَجَدُوا لِآدَمَ كُلِّهِمْ أَجْمَعُونَ...؛ آن‌گاه خداوند تبارک و تعالی آدم را خلق کرد و ما را در صلب او ودیعت نهاد و به ملائکه فرمان داد تا در مقابل او برای تعظیم و تکریم ما سجده کنند. این سجده، عبادت و بندگی خدا بود و برای آدم اکرام و اطاعت، از آن جهت که ما در صلب او بودیم. چگونه ما برتر از فرشتگان نباشیم؛ در حالی که همه فرشتگان بر آدم سجده کردند؟»

پیامبر اکرم (ص) در روایتی، به امامت خود بر ملائکه در شب معراج و اظهار عجز و ناتوانی جبرئیل (ع) در همراهی با آن حضرت و هم‌سخن شدنش با خدای متعال سخن گفته‌اند که دلیل برتری انسان بر فرشتگان است. حضرت امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «بدان که نصیب و بهره ملائکه از توحیدات سه‌گانه (ذاتی، صفاتی و افعالی) و از تنزیه، همانند بهره کامل انسان کامل در همگی این مقامات نیست، بلکه هر یک از ملائکه دارای مقام معلوم و مشخص است که نمی‌تواند از آن فراتر رود، پس، تعلیم در آن نشئه، به تناسب استعدادهای ملائکه است که نبی اکرم (ص) بدان احاطه دارد. همو که به تمامی اشیاء و ترتیب تکمیل همه عوالم و نشأت، بر طبق فضای الهی محیط است». آیت‌الله جوادی آملی نیز درباره برتری انسان‌های کامل

مانند امامان معصوم (ع) بر فرشتگان می‌فرمایند: «این جمله زیارت گویای آن است که ائمه (ع) مقامی بالاتر از ملائکه دارند، زیرا آن حضرات، میزبان هستند و ملائکه بر آنان نازل می‌شوند و چون «الملائکة» جمع دارای الف و لام است و قرینه‌ای برای عهد ذهنی یا عهد خارجی نیست و افاده عموم می‌کند، نشان می‌دهد که آن ذوات مقدس از همه ملائکه و حتی از مقرب‌ترین آن‌ها نیز برترند. همان‌گونه که سجده ملائکه بر آدم (ع) دلالت بر همین مطلب دارد، زیرا آن سجده در مقابل شخص آدم (ع) نبود، بلکه آدم به‌عنوان سمبل و نماد انسان کامل - که بارزترین مصداق آن ائمه اطهار (ع) هستند - مسجود ملائکه قرار گرفت.»

انسان بزرگ‌ترین حجت الهی

جایگاه انسان در نظام هستی، ارزش فراوانی دارد، تا جایی که از سوی امامان معصوم (ع)، بزرگ‌ترین حجت الهی خداوند خوانده شده است. امیرمؤمنان علی (ع) در بیانی در این خصوص می‌فرماید: «أَتَزَعُم أَنَّكَ جَرَمٌ صَغِيرٌ وَ فَيْكٌ أَنْطَوَى الْعَالَمَ الْكَبِيرَ»، آیا می‌پنداری که تو ذره کوچکی هستی؛ حال آن‌که عالم اکبر در تو پیچیده شده است.

از امام صادق (ع) در این باره روایت شده است: «إِعْلَمُ أَنَّ الصُّورَةَ الْإِنْسَانِيَّةَ هِيَ أَكْبَرُ حُجَجِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَ هِيَ الْكِتَابُ الَّذِي كَتَبَهُ بِيَدِهِ وَ هِيَ الْهَيْكَلُ الَّذِي بَنَاهُ بِحِكْمَتِهِ، وَ هِيَ مَجْمُوعُ صُورَةِ الْعَالَمِينَ، وَ هِيَ الْمُخْتَصَرُ مِنَ اللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ، وَ هِيَ الشَّاهِدُ عَلَى كُلِّ غَائِبٍ، وَ هِيَ الطَّرِيقُ الْمُسْتَقِيمُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ، وَالصِّرَاطُ الْمَمْدُودُ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ؛ بدان که صورت انسانی بزرگ‌ترین حجت خداست بر مخلوقاتش، و او همان کتابی است که پروردگار با دو دست خود نگاشته و همان بنای بلند است که با حکمت خود آن را بنا نهاده و اوست مجموعه صورت‌های عالمیان و چکیده لوح محفوظ و شاهد بر هر غایبی و راه مستقیم به هر نیکی و صراط کشیده شده میان بهشت و جهنم.

امام خمینی (ره) نیز با اشاره به این روایت چنین می‌نویسد: بدان که انسان کامل چون خلیفه خدا بر روی زمین (مخلوقات) و نشانه الهی بر همگان است، از گرامی‌ترین آیات خدا و بزرگ‌ترین حجت‌های اوست، از مولا و آقاایمان امیرالمؤمنین علی (ع) و یا از سرورمان حضرت صادق (ع) نقل شده که «صورت انسانی بزرگ‌ترین حجت خداوند بر مخلوقاتش است و او همان کتابی است که حق با دو دست خود نگاشته، و او مجموع صورت‌های عالمیان است».

امانت الهی که موجودات دیگر نظام هستی، از قبول آن سر باز زدند، بر دوش انسان گذاشته شده است و انسان را امانتدار الهی می‌دانند. سوره احزاب آیه ۷۲ می‌فرماید: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»: ما امانت را بر آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها عرضه کردیم. (این‌ها) از جهل سر باز زدند و از آن ترسیدند، و انسان به آن عمل کرد. همانا او ستم‌پیشه و جاهل است.

حافظ شیرازی با بیانی شیوا در این باره می‌سراید: آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه فال به نام من دیوانه زدند

نتیجه‌گیری کلی

آیات و روایات دلالت بر این دارند که جنیان هم مانند انسان‌ها، مکلف و مختار هستند و هدف از آفرینش آن‌ها عبادت و بندگی خداوند می‌باشد همانطور که در قرآن بارها به روشنی بیان شده است. پس اجانین موجوداتی انتخاب‌گر و صاحب اختیار هستند و وقتی بر سر دو راهی قرار می‌گیرند می‌توانند یکی را انتخاب کنند اگر حق را بپذیرند به پاداش می‌رسند و اگر در مسیر باطل قرار گیرند دچار عذاب می‌شوند. پس اجانین هم از نظر عبادات، تکالیف، اختیار، درک و فهم، جنسیت، تولیدمثل و... مانند انسان‌ها است. اما در نحوه عبادت و انجام تکالیف به تناسب ویژگی‌های خلقتش متفاوت هستند.

به طور کل از آنچه در این پژوهش بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که از نظر قرآن کریم، انسان‌ها در جهان هستی دارای موقعیتی ممتاز و منحصر به فرد هستند که او را نسبت به موجودات دیگر برتر کرده است. اما باید به این نکته توجه داشت که این امتیاز و برتری بر سایر موجودات تنها از نوع استعداد و قابلیت‌های وجودی و بالقوه بوده و تا زمانی که از آن استفاده نکند، برتری به آن‌ها بخشید [۲۰]. پس فقط با تکیه زدن بر این کرامت ذاتی نمی‌توان دم از برتری همه‌ی انسان‌ها بر موجودات دیگر زد و با این طرز تفکر به وادی اومانیسم و انسان‌محوری بالید. کرامت حقیقی انسان که وجه تمایز انسان از موجودات دیگر را تشکیل می‌دهد، کرامتی اکتسابی است و از طریق به کارگیری عقل حق‌شناس و انتخاب راه عبودیت و بندگی خداوند متعال حاصل می‌شود. و انسان تنها از طریق ایمان، عمل صالح، تقوای الهی و به فعلیت رساندن قوای نهفته در وجود خود، می‌تواند به موجودی برتر تبدیل شود و به مقام و جایگاه خلافت و جانشینی خداوند بر روی زمین نائل گردد.

منابع

قرآن کریم

- [۱] فولادوند، محمد مهدی (۱۴۱۵ق). ترجمه قرآن کریم. قم: ناشر دارالقرآن الکریم.
- [۲] ابن منظور، محمد (۱۳۰۸)؛ لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۳] خوشدل، محمد رضا (۱۳۸۲). موجودات ماورایی، پژوهشی پیرامون خلقت جن، تهران: آرون.
- [۴] وکیلی، الهه (۱۳۸۶). ویژگی‌های خلقت جن از منظر قرآن و روایات. اندیشه نوین دینی. شماره ۱۱. ص ۱۲۵-۱۰۱.
- [۵] راغب اصفهانی، حسین (۱۳۸۷)؛ المفردات فی غریب القرآن، تهران، موسسه فرهنگی آرایه.
- [۶] بورخس، خورخه لوییس (۱۳۸۰). موجودات خیالی. احمد اخوت. تهران: ماهریز.
- [۷] یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی. تهران: فرهنگ معاصر
- [۸] جونز، آلیسون (۱۳۸۸). فرهنگ لاروس ریشه‌یابی در فولکلور جهان (فولکور موضوعات، ریشه‌ها، روایات مشهور). گزینش و ترجمه: منیره احمد سلطانی. تهران: روزگار.
- [۹] باقی‌زاده، رضا (۱۳۹۱). جن، حقیقت و ویژگی‌ها. کلام اسلامی. ۲۱ (۸۱): ۱۴۹-۱۲۵.
- [۱۰] حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، آل البيت، ۱۴۱۴ق.
- [۱۱] کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۷). اصول کافی. ترجمه جواد مصطفوی. تهران: گلگشت.
- [۱۲] مسلم (۱۳۷۵)؛ صحیح مسلم، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، مصر، دار احیاء الکتب العربیه.
- [۱۳] طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۹). المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه.
- [۱۴] شایان مهر، علیرضا (۱۳۹۱). دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان. ۵۴۶ صفحه.

- [۱۵] ممدوحی، (۱۳۹۲). انسان و جهان در شناخت مکتب اسلام، قم: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۳۰۴ صفحه
- [۱۶] مطهری، مرتضی. ۱۳۷۷. مجموعه آثار. تهران: صدرا. ۵۷۰ صفحه.
- [۱۷] ترابی، احمد (۱۳۶۸). انسان آرمانی در نگاه قرآن، دو فصل‌نامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۱۶-۱۵. صفحه ۲۰۸-۲۲۵.
- [۱۸] زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ ق) تاج العروس، ج ۱۷، بیروت-لبنان. نشر دارالفکر.
- [۱۹] شجاعی، محمد (۱۳۷۹). کمالات وجودی انسان، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر. ۴۰ صفحه.
- [۲۰] رهنما، اکبر (۱۳۸۴). سیما و ویژگی های انسان مطلوب از دیدگاه تربیتی اسلام، دو فصل نامه تربیت اسلامی، ش ۱. صفحه ۱۰۹-۱۲۴.

The quiddity and characteristics of jinn and humans in the Qur'an and narrations and their place in the system of universe

Esmail Eslami

PhD in Comparative Studies of Islamic Religions, Qom University of Religions and Religions

Director of Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources

Abstract

In the world of universe , apart from tangible beings, there are also invisible beings that, under normal circumstances, are not perceptible to us by the senses. One of those invisible creatures is the jinn. The purpose of this study is to investigate the quiddity and characteristics of jinn and humans in the Qur'an and narrations and their place in the system of universe . The method of this research is library and review. Verses and narrations indicate that jinns, like human beings, are free and the purpose of their universe is to slavery God, and it has been stated many times in the Qur'an. According to the Holy Qur'an, man has a unique position in the world that has made him superior to other beings. But it should be noted that this superiority over other creatures is of the type of potential existential talents and abilities and will not be superior until they use it. Therefore, it is not possible to boast of the superiority of all human beings over other creatures just by relying on this inherent dignity. The true dignity of man, which is the distinguishing feature of man from other beings, is an acquired dignity, and man can become a superior being and attain the position of the Caliph of God only through faith, righteous deeds, divine piety, and the realization of his abilities.

Keywords: jinn, humans in the Quran, narrations, system of universe